

احوال شخصیه در فقه شافعی

نکاح و طلاق

(به انضمام خلع، ایلاء، ظهار، لعان، قذف، عدّه، نفقات، حضانت، رضاع، و ...)

تألیف:

استاد دتّر محمد زُحیلی

رئیس دانشکده‌ی شریعت و قانون - دانشگاه شارقه

وکیل سابق امور علمی دانشکده‌ی شریعت، در دانشگاه دمشق

مترجم:

زاهد ویسی



۳۰۰۰۰ ریال: ۸-۶-۰۰۸۶۶۲-۰۰۹۷۸

۴۶۳۶۷۹۱

احوال شخصی در فقه شافعی: نکاح و طلاق / تالیف محمد زحیلی؛ مترجم زاهد ویسی. سنندج: پیروان، ۱۳۹۵.

۴۴۸ ص.

مجموعه‌ی شریعت، فقه و قانون؛ ۳.

کتاب حاضر ترجمه جلد چهارم از کتاب «المعتمد فی فقه الشافعی» تالیف محمد زحیلی است. کتابنامه به صورت زیرنویس.

المعتمد فی فقه الشافعی. برگزیده. فارسی

فقه شافعی -- قرن ۱۴

* -- Shafi'i Islamic law, ۲۰th century

زناشویی (فقه شافعی)

* Shafi'i Islamic law, Marriage (Marriage)

طلاق (فقه شافعی)

* Shafi'i Islamic law, Divorce (Divorce)

۲۹۷/۳۳۳

۱۳۹۵ ۴۲۸ ۰۴۲۸ ۱۷۷/۳ BP

زحیلی، محمد، Zuhayli, Muhammad Mustafa

ویسی، زاهد، ۱۳۵۶ - مترجم

شابک:

شماره کتابشناسی ملی:

عنوان و نام پدیدآور:

مشخصات نشر:

مشخصات ظاهری:

فروست:

یادداشت:

یادداشت:

عنوان قراردادی:

موضوع:

موضوع:

موضوع:

موضوع:

موضوع:

رده بندی دیویی:

رده بندی کنگره:

سرشناس:

شناسه افزودن:

وضعیت فهرست نویسی:

♦ نام کتاب: احوال، شخصی در فقه شافعی (نکاح و طلاق)

♦

اسامی کمتر محمد زحیلی

♦ تألیف:

زاهد ویسی

♦ ترجمه:

پیروان

♦ ناشر:

یکم، ۱۳۹۶

♦ نوبت چاپ:

جلد ۱۰۰۰

♦ شمارگان:

+۹۸ ۷۲۳ ۱۷۳۲ ۴۲

توسعه کتاب

♦ ویرایش و آماده سازی:

+۹۸ ۷۲۳ ۱۷۳۲ ۴۳

۳۰۰۰۰ تومان

♦ قیمت:

نشانی ناشر: سنندج، خ شهداء، چهارراه شهداء، بازارچه کتاب (پاساژ عزتی)، طبقه ۲، پ ۳۶

تلفن: +۹۸ ۸۷۳۳ ۱۶ ۴۵ ۴۵ کدپستی: ۶۶ ۱۴۶۳ ۶۳۷۳

فکس: +۹۸ ۸۷۳۳ ۱۶ ۴۵ ۳۵ ایمیل: payrawanpub@gmail.com

فروشگاه: +۹۸ ۸۷۳۳ ۱۵ ۴۰ ۶۹ مرکز بخش: +۹۸ ۹۱۲۲۷۰ ۵۰ ۷۲

حق چاپ و نشر محفوظ است.



فهرست مطالب

۲۷	یادداشت کانون وکلای دادگستری کردستان
۲۹	مقدمه‌ی مترجم
۳۷	مقدمه‌ی مؤلف
۳۹	احوال شخص به
۴۱	باب یکم: نکاح
۴۱	دیباچه
۴۳	فصل یکم: تعریف نکاح، شروط، حکم، و حکمت آن
۴۳	تعریف نکاح
۴۴	مشروعیت نکاح
۴۴	یکم: کتاب
۴۵	دوم: سنت
۴۶	سوم: اجماع
۴۶	حکمت مشروعیت نکاح
۴۷	حکم ازدواج
۴۹	حکم مقطعی ازدواج
۴۹	۱. مستحب بودن ترک ازدواج
۵۰	۲. کراهت
۵۰	۳. ترک کردن، بهتر است
۵۱	۴. انجام دادن، بهتر است
۵۱	ازدواج و نکاح
۵۳	فصل دوم: [مهم‌ترین مقدمات نکاح]
۵۳	یکم: تشویق به ازدواج
۵۵	دوم: جایگاه خانواده

- سوم: ویژگی‌های مد نظر در همسران ۵۶
۱. دین و اخلاق ۵۶
۲. نَسَب ۵۸
۳. عدم خویشاوندی نزدیک ۵۸
۴. باکره بودن ۵۹
۵. قابلیت بچه‌دار شدن ۶۰
۶. کفویت ۶۰
- چهارم: تعدّد زوجات (چندهم سری) ۶۱
۱. حکم چندهم سری ۶۱
۲. حکمت چندهم سری ۶۴
- پنجم: زنانی که ازدواج با آنان حرام است ۶۶
- بخش یکم: حرام بودن ابدی ۶۶
- أ: مُحَرَّماتِ نَسَب ۶۷
۱. مادر ۶۸
۲. دختر ۶۸
۳. خواهر ۶۹
۴. دختر برادر (برادرزاده) ۶۹
۵. دختر خواهر (خواهرزاده) ۶۹
۶. عمّه ۶۹
۷. خاله ۷۰
- ب: مُحَرَّماتِ سَبَبی (مصاهره‌ای) ۷۱
۱. همسر پدر (زن‌بابا/ زن پدر) ۷۱
۲. زن پسر (= عروس) ۷۲
۳. مادرِ همسر (مادر خانم) ۷۳
۴. دختر همسر ۷۳
- زن؛ به سان مرد ۷۴
- ج: مُحَرَّماتِ رضاعی ۷۴
۱. مادر رضاعی ۷۵
۲. خواهرِ شیر ۷۶
۳. دخترِ برادر رضاعی ۷۶
۴. دختر خواهر رضاعی ۷۷
۵. عمه‌ی رضاعی ۷۷

۷۷	۶. خاله‌ی رضاعی.....
۷۷	۷. دختر رضاعی.....
۷۹	د: محرمات ناشی از سبب و رضاع همزمان.....
۷۹	۱. مادر رضاعی همسر.....
۷۹	۲. دختر رضاعی همسر.....
۷۹	۳. زن رضاعی پدر.....
۸۰	۴. همسر پسر شیریه.....
۸۰	بخش دوم: حرام بودن موقت.....
۸۰	۱. ازدواج همزمان با دو خواهر (جمع بین اختین/ جمع بین دو خواهر).....
۸۱	۲. ازدواج همزمان با یک زن، و عمّه یا خاله‌ی وی.....
۸۲	۳. ازدواج با زن پنجم.....
۸۳	۴. زن مشرک.....
۸۵	۵. زن شوهریار.....
۸۵	۶. زن در حال عتق.....
۸۶	۷. زن سه طلاقه.....
۸۸	ششم: إعفاف.....
۸۹	هفتم: خواستگاری.....
۸۹	۱. حکم خواستگاری.....
۸۹	۲. خواستگاری حلال، خواستگاری حرام.....
۹۱	حکم خواستگاری بر خواستگاری.....
۹۲	۴. مشورت خواهی درباره‌ی خواستگار و فرد مورد خواستگاری.....
۹۳	۵. پیشنهاد ولیّ زن به اهل فضل برای ازدواج.....
۹۴	۶. خطبه‌ی قبل از خواستگاری.....
۹۶	۷. خلوت کردن با خانم مورد خواستگاری و اختلاط با وی.....
۹۷	۸. دیدن خانم مورد خواستگاری و نگاه کردن به او.....
۹۹	فرع: نگاه مرد به زن، و برعکس، و نگاه افراد متماثل.....
۱۰۵	فصل سوم: ارکان و شروط ازدواج.....
۱۰۵	رکن یکم: صیغه.....
۱۰۶	شروط صیغه.....
۱۰۶	۱. لفظ تزویج یا إنکاح.....
۱۰۷	۲. تصریح کردن به لفظ زواج یا نکاح.....
۱۰۸	۳. متصل بودن ایجاب با قبول.....

۱۰۸.....	۴. بقای اهلیت طرفین عقد تا زمان تحقق قبول.....	۲۷
۱۰۹.....	۵. تنجیز.....	۲۷
۱۰۹.....	۶. صیغه‌ی مطلق.....	۲۷
۱۱۰.....	نکاح شِغَار.....	۲۷
۱۱۱.....	نکاح محلل.....	۲۷
۱۱۱.....	رکن دوم: زوجه.....	۲۷
۱۱۲.....	[شروط زوجه].....	۲۸
۱۱۲.....	۱. فقدان موانع نکاح.....	۲۸
۱۱۲.....	۲. تعیین.....	۲۸
۱۱۲.....	۳. عدم احرام.....	۲۸
۱۱۳.....	رکن سوم: زوج.....	۲۸
۱۱۳.....	۱. فقدان موانع نَح.....	۲۸
۱۱۳.....	۲. تعیین.....	۲۸
۱۱۴.....	۳. عدم احرام.....	۲۸
۱۱۴.....	۴. اهلیت.....	۲۸
۱۱۵.....	رکن چهارم: ولی.....	۲۸
۱۱۷.....	شروط ولی.....	۲۸
۱۱۷.....	۱. هم‌کیش بودن (اتحاد در دین).....	۲۸
۱۱۸.....	۲. عدالت.....	۲۸
۱۱۹.....	۳. تکلیف.....	۲۸
۱۱۹.....	۴. سالم بودن از آفات مختل‌کننده‌ی دقت و اظهارنظر.....	۲۸
۱۲۰.....	۵. عدم حجر.....	۲۸
۱۲۰.....	۶. حلال بودن.....	۲۸
۱۲۱.....	انواع ولایت.....	۲۸
۱۲۱.....	۱. ولایت اجبار.....	۲۸
۱۲۳.....	۲. ولایت اختیار.....	۲۸
۱۲۴.....	مهم‌ترین احکام اولیاء.....	۲۸
۱۲۴.....	أ: عضل.....	۲۸
۱۲۵.....	ب: غایب بودن ولی اقرب.....	۲۸
۱۲۶.....	ج: جمع شدن چند ولی.....	۲۸
۱۲۶.....	د: فقدان اولیاء.....	۲۸

۱۲۷	ه: وکالت از ولی
۱۲۷	رکن پنجم: شاهد
۱۲۸	شروط شاهدان
۱۲۹	پیوست: انواع نکاح کفار
۱۳۳	سنت‌های عقد نکاح
۱۳۳	۱. خطبه
۱۳۴	۲. دعای برای زن و شوهر
۱۳۴	۳. اعلام ازدواج، و دفنوازی
۱۳۶	۴. در هنگام رفتن نزد همسر
۱۳۶	۵. وا
۱۳۶	ا: ه: نای و ا
۱۳۷	ب: حکم ولیمه
۱۳۷	ج: میزان ولیمه
۱۳۸	د: زمان ولیمه
۱۳۸	ه: حکمت ولیمه
۱۳۸	و: پذیرش دعوت ولیمه
۱۳۹	ز: شروط وجوب پذیرش دعوت ولیمه
۱۴۲	ح: خوردن از غذای ولیمه
۱۴۳	ط: نثار در عروسی
۱۴۳	فرع: کفانت در ازدواج
۱۴۵	ویژگی‌های کفانت
۱۴۷	فصل چهارم: آثار نکاح
۱۴۷	یکم: انواع ازدواج
۱۴۷	۱. ازدواج باطل
۱۴۸	۲. ازدواج صحیح
۱۴۸	دوم: وضعیت عقد نکاح
۱۴۸	سوم: کامجویی زوجین از یکدیگر
۱۵۲	چهارم: قسّم در میان زنان
۱۵۲	۱. تعریف قسّم
۱۵۲	۲. حکم قسّم

۱۵۴	۳. افراد سزاوار قَسَم	۷۷۱
۱۵۴	۴. چگونگی قَسَم	۷۷۱
۱۵۷	پنجم: نشوز	۸۷۱
۱۵۸	۱. تعریف نشوز	۸۷۱
۱۵۸	۲. وضعیت شرعی نشوز	۸۷۱
۱۵۹	۳. حالات نشوز	۸۷۱
۱۶۰	۴. درمان نشوز	۸۷۱
۱۶۴	۵. نشوز شوهر	۸۷۱
۱۶۵	شش: عیوبی که موجب در نکاح که فسخ بر آنها مترتب می‌گردد:	۸۷۱
۱۶۵	۱. عیوب و توضیح	۸۷۱
۱۶۶	۲. ابرع	۸۷۱
۱۶۶	أ: عیب مانع از دخول	۸۷۱
۱۶۷	ب: عیوب مانع از دخول	۸۷۱
۱۶۸	۳. ثبوت خیار	۸۷۱
۱۷۰	۴. حق ولی زوجه در فسخ نکاح	۸۷۱
۱۷۱	۵. فسخ فوری	۸۷۱
۱۷۱	۶. شکایت به قاضی	۸۷۱
۱۷۲	۷. تعیین مدت برای عتبه بودن	۸۷۱
۱۷۳	۸. اثبات عیوب	۸۷۱
۱۷۴	۹. اثر فسخ نکاح در اثر عیوب	۸۷۱
۱۷۵	۱۰. عدم رجوع زوج به مهر	۸۷۱
۱۷۶	هفتم: خیار به خاطر فقدان یک شرط	۸۷۱
۱۷۶	هشتم: شروط موجود در عقد نکاح	۸۷۱
۱۷۶	۱. شروط موافق با مقتضای عقد نکاح	۸۷۱
۱۷۷	۲. شروط مُخِلّ مقصود اصلی نکاح	۸۷۱
۱۷۷	۳. شروط غیر مُخِلّ به مقصود اصلی نکاح	۸۷۱
	۴. شروط عدم مخالفت با مقتضای عقد، عدم مخل به مقصود اصلی نکاح، و عدم تعلق غرضی	۸۷۱
۱۷۸	منافی احکام نکاح به آنها	۸۷۱
۱۷۸	نهم: مهر	۸۷۱

۱۷۹	فصل پنجم: صداق (= مهر) و متعه
۱۷۹	صداق (= مهر) و متعه
۱۷۹	مبحث یکم: صداق
۱۷۹	تعریف صداق و اسامی آن
۱۸۰	حکم شرعی صداق
۱۸۱	مشروعیت صداق
۱۸۲	حکمت صداق
۱۸۳	تعیین صداق در عقد
۱۸۵	میزان صداق
۱۸۷	سبک کردن بویه و عدم افراط در آن
۱۸۸	تعجبا و تأخیر در صداق
۱۸۹	نوع صداق
۱۹۰	استقرار صداق
۱۹۰	حالت یکم: استقرار صدق
۱۹۰	۱. استقرار از طریق
۱۹۱	۲. مرگ
۱۹۲	حالت دوم: استقرار نصف صداق
۱۹۳	حالت سوم: ساقط شدن کل صداق
۱۹۴	تفویض در صداق
۱۹۷	مهرالمثل
۱۹۸	عوامل ایجادکننده مهرالمثل
۱۹۸	۱. عدم تعیین مهر در عقد
۱۹۹	۲. فاسدبودن تعیین مهر
۲۰۰	۳. فاسدبودن عقد نکاح
۲۰۰	۴. وطء شبههناک
۲۰۱	۵. وطء حرام
۲۰۱	مبحث دوم: متعه
۲۰۱	تعریف متعه
۲۰۲	مشروعیت متعه
۲۰۳	حکم متعه
۲۰۳	حالاتی که متعه در آنها واجب می‌گردد:

۲۰۵	مقدار متعه:
۲۰۷	پیوست: نسب
۲۰۹	باب دوم: طلاق
۲۱۱	فصل یکم: تعریف، مشروعیت، و حکم طلاق
۲۱۱	تعریف طلاق
۲۱۱	مشروعیت طلاق:
۲۱۲	یکم: کتاب
۲۱۳	۲. سن
۲۱۴	۳. اجماع
۲۱۴	حکمت مشروع بود در طلاق
۲۱۶	حکم طلاق
۲۱۶	۱. واجب
۲۱۶	۲. مندوب:
۲۱۷	۳. مکروه:
۲۱۸	۴. مباح
۲۱۸	۵. حرام
۲۲۰	طلاق ثلاث (سه طلاقه)
۲۲۳	فصل دوم: انواع طلاق
۲۲۳	یکم: انواع طلاق بر حسب حکم آن
۲۲۴	دوم: انواع طلاق بر حسب زمان
۲۲۴	۱. طلاق سنی (مبتنی بر سنت)
۲۲۵	۲. طلاق بدعی
۲۲۵	۳. طلاق غیر موصوف به سنت یا بدعت
۲۲۶	سوم: انواع طلاق بر حسب عوض یا تمایل
۲۲۶	۱. طلاق عادی
۲۲۷	۲. خلع
۲۲۷	چهارم: انواع طلاق بر حسب صیغه

۲۲۸	۱. طلاق صحیح
۲۲۹	۲. طلاق کنایی
۲۳۰	پنجم: انواع طلاق بر حسب محل
۲۳۰	۱. طلاق رجعی
۲۳۱	۲. طلاق بانن، به صورت بینونت صغری
۲۳۱	۳. طلاق بانن به صورت بینونت کبری
۲۳۳	فصل سوم: ارکان طلاق و شروط آن
۲۳۳	رکن یکم: مطلق
۲۳۴	۱. ثبوت مدان راج
۲۳۵	۲. تکلیف و طلاق مست
۲۳۶	طلاق سکران
۲۳۷	۳. اختیار، و طلاق مؤ
۲۳۸	طلاق مکروه
۲۳۹	طلاق مزاح کننده و کسی که طلاق را بر سر او هد
۲۳۹	رکن دوم: صیغه
۲۴۰	۱. نیت
۲۴۱	۲. همگام بودن (اقتران) نیت با کنایه
۲۴۱	طلاق با اشاره
۲۴۲	طلاق با کتابت
۲۴۳	تقویض وکالت در طلاق
۲۴۶	اضافه کردن (= انتساب) طلاق به زوج
۲۴۷	رکن سوم: قصد
۲۴۷	۱. فرد در حال خواب
۲۴۸	۲. مجنون
۲۴۸	۳. اشتباه زبانی (سبق اللسان)
۲۴۸	۴. ندادن کردن
۲۴۹	۵. لفظ غیر عربی
۲۵۰	۶. مکروه و سکران
۲۵۱	رکن چهارم: محل

۲۵۳	 رکن پنجم: ولایت
۲۵۵	 فصل چهارم: احکام طلاق
۲۵۵	 یکم: تعداد طلاق
۲۵۶	 دوم: روش‌های مختلف طلاق
۲۵۷	 ۱. تقسیم کردن طلاق
۲۵۷	 ۲. طلاق ثلاثه
۲۵۹	 ۳. مَلَق ساختن طلاق
۲۶۳	 سه استثناء در طلاق
۲۶۳	 ۱. روط صحت استثناء در طلاق
۲۶۳	 ۲. نیت
۲۶۴	 ۳. سال
۲۶۴	 ۴. عدم استغفار
۲۶۵	 چهارم: شک در طلاق
۲۶۶	 پنجم: اختلاف نظر زوجین در باره صَاق
۲۶۶	 ششم: طلاق‌های باقیمانده پس از طرد
۲۶۹	 فصل پنجم: رجعت
۲۶۹	 تعریف رجعت
۲۶۹	 انواع مُطَلَّقات
۲۷۰	 ۱. مطلقه‌ی قبل از دخول
۲۷۰	 ۲. مطلقه با خُلَع
۲۷۰	 ۳. مطلقه با یک یا دو طلاق، بعد از دخول
۲۷۱	 ۴. مطلقه‌ی سه طلاقه
۲۷۱	 مشروعیت رجعت
۲۷۱	 ۱. کتاب
۲۷۲	 ۲. سنت
۲۷۳	 ۳. اجماع
۲۷۳	 وصف شرعی رجعت
۲۷۶	 علّت رجعت

۲۷۷	ارکان رجعت و شروط آن.....
۲۷۷	رکن یکم: مُرْتَجِع.....
۲۷۸	رکن دوم: صیغه.....
۲۷۹	رکن سوم: محل.....
۲۸۱	اختلاف نظر زوجین در باره‌ی رجعت.....
۲۸۳	رجعت بعد از سه طلاقه.....
۲۸۴	حُکَم زن رجعیه.....
۲۸۵	حالات مطلقه نسبت به رجعت.....
۲۸۵	حالت ۱: رجعه.....
۲۸۶	حالت ۲: رجعه.....
۲۸۶	۱. سه به بینونت صغری.....
۲۸۶	۲. بانه به بیست کبر.....
۲۸۷	باب سوم: امور مشابه طلاق.....
۲۸۹	فصل یکم: خُلْع.....
۲۸۹	تعریف خلع.....
۲۸۹	مشروعیت خلع.....
۲۹۰	۱. کتاب.....
۲۹۰	۲. سنت.....
۲۹۱	۳. اجماع.....
۲۹۱	وصف شرعی خُلْع.....
۲۹۴	ارکان خلع و شروط آن.....
۲۹۴	رکن یکم: زوج.....
۲۹۴	رکن دوم: مختلِع.....
۲۹۵	رکن سوم: محل.....
۲۹۶	رکن چهارم: عوض.....
۲۹۷	رکن پنجم: صیغه.....
۲۹۹	خلع مبتنی بر ترازی.....
۲۹۹	احکام خلع و آثار آن.....
۲۹۹	یکم: حقیقت خلع.....

۳۰۰	دوم: بینونت و عدم رجعت.....
۳۰۱	سوم: اجنبی شدن زن مخالفه کننده.....
۳۰۱	چهارم: توکیل در خلع و اختلاع.....
۳۰۲	پنجم: اختلاع اجنبی.....
۳۰۳	ششم: اختلاف در خلع.....
۳۰۳	۱. اختلاف در وجود خلع.....
۳۰۴	۲. اختلاف در عوض.....
۳۰۴	۳. اختلاف در باره‌ی جنس عوض، یا میزان، یا تعداد آن.....
۳۰۵	نکته: بابط در بدل خلع.....
۳۰۷	فصل در ایلاء.....
۳۰۷	تعریف ایلاء.....
۳۰۷	اصل ایلاء.....
۳۰۸	وصف شرعی ایلاء.....
۳۰۸	ارکان ایلاء.....
۳۰۸	رکن یکم: حالیف (سوگند خورنده).....
۳۰۹	رکن دوم: محل.....
۳۱۰	رکن سوم: محلولف به.....
۳۱۰	رکن چهارم: محلولف علیه.....
۳۱۱	رکن پنجم: مدت.....
۳۱۲	رکن ششم: صیغه.....
۳۱۲	احکام ایلاء و آثار آن.....
۳۱۳	یکم: مهلت دهی.....
۳۱۴	دوم: حق زوجه به مطالبه.....
۳۱۵	سوم: تطلیق قاضی.....
۳۱۶	چهارم: اختلاف در ایلاء.....
۳۱۶	۱. اختلاف در باره‌ی وقوع ایلاء و انقضای مدت آن.....
۳۱۶	۲. اختلاف در باره‌ی وطء.....
۳۱۶	۳. اختلاف در تعداد.....
۳۱۹	فصل سوم: ظهار.....

۳۱۹	تعریف ظهار
۳۱۹	وصف شرعی ظهار
۳۱۹	۱. کتاب
۳۲۰	۲. سنت
۳۲۱	۳. اجماع
۳۲۲	ارکان ظهار و شروط آن
۳۲۲	رکم یکم: مظاهر
۳۲۲	رکن دوم: مظاهر منها
۳۲۳	رکن سوم: د. نه
۳۲۶	رکن چ. رم: شبهه به
۳۲۷	احکام ظهار
۳۲۷	۱. تحریم و طء
۳۲۸	۲. طلاق
۳۲۸	۳. بازگشت
۳۲۹	۴. کفاره
۳۳۱	فصل چهارم: لعان
۳۳۱	تعریف لعان
۳۳۲	اصل شرعی لعان
۳۳۲	۱. کتاب
۳۳۲	۲. سنت
۳۳۴	۳. اجماع
۳۳۴	حکمت مشروع بودن لعان
۳۳۶	مبحث یکم: قذف
۳۳۶	تعریف قذف
۳۳۶	وصف شرعی قذف
۳۳۷	الفاظ قذف
۳۳۸	۱. قذف صریح
۳۳۹	۲. کنایه
۳۳۹	۳. تعریض

۳۴۰	احکام قذف
۳۴۰	۱. قذف غیر زوجه
۳۴۰	۲. قذف زوجه
۳۴۱	وصف شرعی قذف زوج نسبت به زوجه
۳۴۱	۱. اباحه
۳۴۲	۲. وجوب
۳۴۴	مبحث دوم: احکام لعان
۳۴۵	چگونگی لعان
۳۴۵	۱. م: روش لعان زوج
۳۴۷	۲. روش لعان زوجه
۳۴۸	شروط لعان
۳۴۹	وعظ قبل لعان
۳۵۱	تغلیظ در لعان
۳۵۱	۱. تغلیظ با لفظ
۳۵۱	۲. تغلیظ به زمان
۳۵۱	۳. تغلیظ به مکان
۳۵۲	آثار و ثمرات لعان
۳۵۴	سقوط لعان
۳۵۵	قذف زوجه‌ی باینه و مُرده
۳۵۶	اختلاف در قذف میان زوجین
۳۵۷	باب چهارم: عِدّه
۳۵۷	تعریف عِدّه
۳۵۷	مشروعیت عِدّه
۳۵۸	۱. کتاب
۳۵۸	۲. سنت
۳۵۹	۳. اجماع
۳۵۹	حکمت و سبب اجماع
۳۶۰	انواع عِدّه
۳۶۰	یکم: عِدّه‌ی وفات
۳۶۱	۱. عِدّه‌ی زن حامله‌ای که زوج وی وفات کرده باشد

۳۶۲	۲. عده‌ی زن حائلی که زوج وی وفات کرده باشد
۳۶۳	۳. عده‌ی زوجه‌ی مرد مفقود
۳۶۵	عزاداری زوجه
۳۶۵	۱. تعریف عزاداری
۳۶۵	۲. وصف شرعی یا حکم آن
۳۶۷	دوم: عده‌ی طلاق یا فراق
۳۶۷	أ: مطلقه‌ی قبل از دخول
۳۶۸	ب: مطلقه‌ی بعد از دخول
۳۶۹	انواع عده‌ی مائقه‌ی بعد از دخول
۳۷۰	۱. عده‌ی مائقه‌ی حامله
۳۷۱	۲. عده‌ی مطلقه‌ی غ حامله (حائلی)
۳۷۱	أ: عده‌ی به اقراء
۳۷۳	ب: عده‌ی به أشهر
۳۷۴	نفقه‌ی معتده
۳۷۴	۱. نفقه‌ی معتده‌ی وفات
۳۷۵	۲. نفقه‌ی معتده‌ی طلاق
۳۷۵	أ: معتده‌ی حامله
۳۷۶	ب: معتده‌ی طلاق حائلی
۳۷۷	مسکن معتده
۳۷۷	۱. مسکن معتده‌ی طلاق
۳۸۰	۲. مسکن معتده‌ی وفات
۳۸۰	اختلاف در عده
۳۸۳	باب پنجم: [نظام نفقات]
۳۸۳	مقدمه
۳۸۳	تعریف نفقات
۳۸۴	مشروعیت نفقه
۳۸۴	۱. کتاب
۳۸۵	۲. سنت
۳۸۶	۳. اجماع

۳۸۶	 ۴. معقول
۳۸۶	 اقسام نفقه
۳۸۶	 [اسباب نفقه]
۳۸۷	 یکم: نفقه بر خود
۳۸۷	 دوم: نفقهی زوجه
۳۸۸	 ۱. کتاب
۳۸۹	 سنت
۳۹۰	 ۳. اجماع
۳۹۰	 ۴. محقول
۳۹۱	 شبهه وجوب نفقهی زوجه بر زوج
۳۹۱	 ۱. تمکین
۳۹۱	 ۲. ایجاب
۳۹۳	 محاسبه‌ی مهری و حیث
۳۹۴	 انواع نفقهی واجب
۳۹۴	 ۱. خوراک
۳۹۵	 ۲. اَذْم (نانخورش)
۳۹۵	 ۳. کسوت (پوشاک)
۳۹۶	 ۴. لوازم نظافت
۳۹۷	 ۵. لوازم خورد و خوراک
۳۹۷	 ۶. مسکن
۳۹۷	 ۷. اسباب و اثاثیه
۳۹۸	 ۸. لوازم گرمای و خنک‌کننده
۳۹۸	 ۹. خدمتکار
۳۹۸	 تنگدستی زوج در نفقه
۴۰۱	 سوم: نفقهی فروع
۴۰۳	 شروط واجب‌شدن نفقهی فروع
۴۰۳	 ۱. توانگری بودن اصل
۴۰۴	 ۲. صِغَر (خردسال بودن)
۴۰۴	 ۳. فقرِ فرزند
۴۰۵	 مقدار نفقه
۴۰۶	 ساقط‌شدن نفقه در اثر گذر زمان
۴۰۶	 ارضاع (شیردادن)

.....	چهارم: نفقه‌ی اصول	۴۰۷
.....	شروط وجوب نفقه‌ی اصول	۴۰۹
.....	۱. توانگر بودن فروع	۴۰۹
.....	۲. فقیر بودن اصل	۴۱۰
.....	۳. نبود انفاق‌کننده بر مادر	۴۱۱
.....	مقدار نفقه‌ی اصول	۴۱۲
.....	ساقط شدن نفقه‌ی اصول با گذر زمان	۴۱۲
.....	اجتماع اقارب در نفقه	۴۱۳
.....	حالت یک - تعدّد اقاربی که نفقه بر آنان واجب است	۴۱۳
.....	۱. ع	۴۱۳
.....	۲. مساوی ساختن فرع	۴۱۳
.....	۳. اقرب	۴۱۴
.....	۴. پدر و مادر و جّان	۴۱۴
.....	حالت دوم: متعدد بودن افرادی که نفقه بر آنها واجب است	۴۱۵
.....	پنجم: سایر نفقات	۴۱۷
.....	۱. نفقه‌ی خادم	۴۱۷
.....	۲. نفقه‌ی حیوانات	۴۱۷
.....	۳. نفقه‌ی درختان و کشت و زرع	۴۱۹
.....	باب ششم: حضانت و رضاع	۴۲۱
.....	تمهید	۴۲۱
.....	فصل یکم: حضانت	۴۲۳
.....	تعریف حضانت	۴۲۳
.....	مشروعیت حضانت	۴۲۴
.....	حکمت حضانت	۴۲۴
.....	وصف شرعی حضانت (حُکم حضانت)	۴۲۵
.....	مدّت حضانت	۴۲۵
.....	ترتیب‌بندی افراد مستحق حضانت	۴۲۶
.....	یکم: زنان	۴۲۶
.....	دوم: ذکور	۴۲۸

۴۲۸	سوم: اجتماع ذکور و اناث
۴۲۹	شروط حضانت
۴۲۹	۱. بلوغ و عقل:
۴۳۰	۲. اسلام (مسلمان بودن):
۴۳۰	۳. عفت، امانت، رشد
۴۳۰	۴. سالم بودن حواس و عدم ابتلا به بیماری‌های دایمی
۴۳۱	۵. اقامت
۴۳۱	۶. عدم زوج اجنبی برای مادر
۴۳۲	ش. دادن
۴۳۳	اثر فقدان شرط
۴۳۳	حضانت ممیز
۴۳۵	مواظبت از ممیز
۴۳۷	فصل دوم: رضاع
۴۳۷	تعریف رضاع
۴۳۷	مشروعیت رضاع
۴۳۷	۱. قرآن کریم
۴۳۸	۲. سنت
۴۳۹	۳. اجماع
۴۳۹	۴. معقول
۴۳۹	انواع رضاع
۴۴۰	۱. رضاع از مادر
۴۴۲	۲. رضاع از غیر مادر
۴۴۲	ارکان رضاع و شروط آن
۴۴۲	رکن یکم: مُرضع
۴۴۲	۱. زن بودن
۴۴۲	۲. زنده بودن
۴۴۳	۳. احتمال زایمان داشتن
۴۴۳	رکن دوم: شیر
۴۴۴	۱. دادن پنج بار شیر به کودک

۴۴۶	۲. رسیدن شیر به معده.....
۴۴۶	۳. یقین.....
۴۴۷	رکن سوم: رضیع.....
۴۴۷	۱. حیات.....
۴۴۷	۳. سنّ کمتر از دو سال.....
۴۵۰	احکام رضاع.....
۴۵۰	أ: احکام نسبی که با رضاع اثبات نمی‌شوند:.....
۴۵۱	ب: حلیّت با رضاع.....
۴۵۱	ج: محرّیت رضاعی.....
۴۵۱	یک مرض و اقارب نسبی او.....
۴۵۳	دوم: حلی که شیر از آن او است.....
۴۵۴	سوم: ماهره رضاع.....
۴۵۵	چهارم: رضیع.....
۴۵۵	پنجم: آنچه که رضاع بر آن ندارد.....
۴۵۶	اثبات رضاع و اختلاف نظر در بهره‌ی آن.....
۴۵۶	۱. شهادت.....
۴۵۷	۲. اقرار.....
۴۵۸	۳. سوگند.....
۴۵۸	۴. استفاضه.....
۴۶۱	منابع و مأخذ.....

جمهوری اسلامی ایران و قواعد آمده است. زیرا در این کتابگاه مکلف به رعایت و اعمال قواعد مسلم متداول در مذهب امام محمد شافعی است. در سال‌های اخیر کتاب‌های متعددی در خصوص احوال شخصیه در مباحث به زبان فارسی منتشر گردیده اما نتوانسته نیاز جامعه حقوقی و دادگاه‌ها را به نحو اکمل تأمین نمایند. اکنون وکلای دادگستری کویتان با چاپ و انتشار ترجمه فارسی کتاب المعتمد فی الفقه الشافعی اثر استاد دکتر محمد زحیلی که توسط جناب آقای زاهد و منی ترجمه شده است، در صدد برآمدن نیاز دادگاه‌ها و وکلای ایران را برای دسترسی به یک منبع معتبر در فقه شافعی برآورده نمایند.

مقدمه‌ی مترجم

سخن از خانواده، هم به عنوان مقدمه‌ی وجود یک شخص، و هم به مثابه‌ی نتیجه و حاصل عمر یک فرد، جایگاهی عجیب چند سویه، درهم تنیده، تودرتو، متراکم، فربه، و در عین حال، حساس، شکننده، و آسیب‌پذیر دارد. به طوری که علاوه بر نیازهای عادی و مادی فرد و جمع (نداء زن و شوهر)، پایه و مایه‌ی بسیاری از خواسته‌ها، امیدها، آمال، اهداف، آرزوها، آینده‌گرایی‌ها... در خانواده شکل می‌گیرد و از این امور مهم‌تر، عامل هویت‌بخشی، آرامش و آسایش روانی و درونی فرد به خانواده وابسته و پیوسته است.

از این رو، بدیهی است، بحث از خانواده، جدی و اساسی است و به هیچ وجه به عنوان امری مقطعی، موقت، یا حاسیه‌ان و عارضی قلمداد نمی‌گردد؛ زیرا آگاهان و عقلای قوم می‌دانند که شاخه‌ها هزار ناز و نوازش هم که داشته باشند، رگ اصلی حیاتشان در ریشه‌ها می‌زند و اگر در شاخه و برگ و گل طراوتی نداشته باشد، ریشه و تنه خشک و پژمرده می‌شود و اگر در ریشه آفت و آسیبی برسد، دیری نمی‌پاید که عراوت و تنه شاخه و برگ نیز از هم می‌پاشد و از آن درخت خرم و خندان جز ساقه و تنه‌ی خشک و پژمرده چیزی باقی نمی‌ماند و این حداقل آفت و آسیب ناشی از آن است. وگرنه گاهی موجب سربلندی و آسایش و کشت و زرع پیرامونی خود نیز می‌گردد و...

از سوی دیگر، طبیعی است که بحث از خانواده بر اساس بسته‌ها، دستگاه‌ها، و زمینه‌هایی که خانواده در آنها شکل گرفته، یا نگرش‌ها و بینش‌هایی که بهره‌ی آن وجود دارد، یا اهداف و مقاصد مد نظر از آن، و... متفاوت و مختلف باشد. این است که در فرهنگ‌ها و تمدن‌های مختلف، رهیافت‌ها و رویکردهای متفاوتی در باره‌ی خانواده وجود دارد که گاهی تفاوت و اختلاف آنها، به سطح تنوع و تعدد خلاصه و مختصر نمی‌گردد، بلکه حتی به ساحت تعارض و تضاد و تباین هم می‌رسد.

با صرف نظر از داوری در باره‌ی این امر، یکی از مهم‌ترین پیام‌های این گستردگی و فراخی

مربوط به آراء و افکار مربوط به خانواده، اهمیت و اعتبار آن، به عنوان امری شایان عنایت و توجه است. به همین خاطر، نمی‌توان گفت که تجمع انسانی، تجمعی از نوع «انبوهه»، یا سایر اصطلاحات اهانت‌آمیز دیگری است که گاهی در برخی پژوهش‌ها و مطالعات مربوط به خانواده دیده می‌شود و حتی آن را با زندگی جمعی مورچه، زنبور عسل، و سایر جانداران گروه‌زی دیگر مقایسه می‌کنند یا به صورت اهانت‌آمیزتر، از جمع انسانی به عنوان «توده» نام می‌برند که گویا مقداری حجم فیزیکی بر هم انباشته، شبیه شن و ماسه و... است و در آن هیچ نوع آگاهی، یا تلاش و تمنا برای گذار از وضعیت موجود، گریز از ماندن در وضعیت آخر، وجود ندارد و سؤالاتی نظیر چه باید کرد؟ از کجا باید آغاز کرد؟ و مهم‌تر از آن این پرسش: چه برانگیز که: «آنچه‌ها باید بشود، چیست؟» طرح نمی‌گردد؛ زیرا بعید است که بتوان در میان دو نوع جمع، که صرفاً از برخی جهات با یکدیگر تشابهی صوری و ظاهری دارند، قیاس و مقایسه را به معیار و همه‌جانبه انجام داد آن‌ها را نوعی همسان، یکسان، و مساوی قلمداد کرد.

باری، خانواده در گذر تاریخ، برد کاوش‌ها و کنکاش‌های متعدد و متنوعی قرار گرفته و هر کس به طریقی در باره‌ی آن به دست‌رس‌ها و پرآخت است که بخشی از آن، ناشی از رهیافت و رویکرد فرد یا گروهی است که به عنوان ناظر، خانواده را مورد مشاهده و تحقیق قرار می‌دهد، اما بخش مهم و اصلی این تنوع و تعدد آرا به ذات و ماهیت خود خانواده برمی‌گردد. دلیل این امر نیز تأثیر و تأثر خانواده از محیط پیرامونی خود - به مثابه‌ی نام - و به ویژه ادیان، مذاهب، و مکاتب فکری و عملی مختلف، و تغییر و تحولات مربوط به نظام‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، و... است؛ زیرا خانواده به مثابه‌ی یک عنصر زنده و متحرک است، نسبت به محرک‌های محیطی پاسخ می‌دهد و نسبت به جلوه‌ها و جاذبه‌هایی که او را به سوی خود می‌کشند، تمایل و گرایش دارد.

به این ترتیب، تنوع‌پذیری آرا و اندیشه‌های مربوط به خانواده، از یک سو، درونی و از سوی دیگر، بیرونی است. به همین خاطر، نباید این امر را نشان از عدم ثبات و ناپایداری خانواده تلقی کرد؛ زیرا چنانکه گفته شد خانواده عنصری پویا و متحرک است و ماندن در یک وضعیت ثابت، با روح و ذات آن همخوانی ندارد. از این رو، ملت‌های آگاه می‌کوشند که بستر و زمینه‌ای را فراهم کنند که خانواده در تأثیر و تأثر خود، خردمندانه‌تر عمل کند و راهی را که

برای تصمیم‌گیری در باره‌ی اهداف و مقاصد خویش در نظر دارد، با دقت و حسابگری سنجیده‌تری برگزیند و با آنکه نمی‌توان انتظار داشت که بشر در تصمیم‌گیری‌های فردی و جمعی خویش کاملاً بری از خطا و اشتباه باشد، با این حال، دقت و سنجشگری در تصمیم و اقدام، یکی از ابزارهای جلوگیری از اشتباه‌گرایی و انحراف‌های راهبردی است.

اسلام به عنوان دین خداوند متعال، و آیینی که نوع خاصی از حیات و تعاملات را پیشنهاد می‌کند، نه تنها در باره‌ی خانواده بی تفاوت نبوده، بلکه بر عکس، مفهوم خانواده در این آیین چندان مهم و مسلط است که زوجیت انسان را به عنوان یکی از آیات و نشانه‌های بزرگ خداوند متعال امداد کرده و برای آن کارکردهای متعدد و متنوع روانی، جسمی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، و حتی اعتقادی تعیین کرده است. به طوری که در ساحت‌های مختلف، از اعضا و عناصر تشکیل‌دهنده خانواده، هم به صورت مستقل، و هم به عنوان جزئی از یک جمع مشخص، نام و در روظائف و کارکردهای هر یک از آنها را بر مبنای بینش و نگرش خویش تنظیم و تعیین کرده است. به گونه‌ای که با کنار هم نهادن آنها می‌توان با ساختارمندی، نظام‌مندی، عدالت‌گرایی، آینده‌گرایی، و... هم‌خوانی‌ها و سازگاری‌های مبتنی بر تعادل و توازن حق و تکلیف را در خانواده‌ی مد نظر، دید.

با این حال، از آن هنگام که پیوند دین با سبب زندگی گسسته یا دست‌کم سست شد، خانواده و موضوع آن نیز به تبع همه‌ی مسائل کلی و مهم آن دین، مورد اهمال قرار گرفت و به عنوان بخش آسیب‌پذیر همه‌ی جوامع، بیش از سایر بخش‌ها آسیب و آفت دید. به گونه‌ای که چنان وضعی پدید آمد که خانواده، به بیان دقیق، از بسیاری از بابت‌ها این بی‌بهره شد و به نام دین مورد بسیاری از بی‌مهری‌ها و بی‌انصافی‌ها قرار گرفت. به عنوان نمونه‌ای از این امور، یادداشتی از مرحوم شیخ محمد عبده را در این باره ذکر می‌کنیم. او گفته است:

در نوشته‌های فقها دیده‌ام که ازدواج را این گونه تعریف می‌کنند که: «سراردادی است که به وسیله‌ی آن، مرد بدن زن را به تملک درمی‌آورد». در این تعریف حتی یک کلمه را نیافتم که اشاره کند میان شوهر و زن امر دیگری غیر از کامجویی از طریق برآورده کردن شهوت جسمانی وجود دارد. به علاوه، همه‌ی آن تعاریف عاری از اشاره به تکالیف معنوی‌ای هستند که بزرگ‌ترین خواسته‌ی دو شخص مذهب از یکدیگر است.

در قرآن شریف نیز کلامی را یافتیم که بر ازدواج تطبیق می‌کند و صحیح است که تعریفی برای آن باشد. هیچ شریعتی از شریعت‌های امت‌های نایل شده به آخرین درجه‌ی تمدن نیز تعریفی بهتر از آن را ارائه نکرده است. خداوند متعال فرموده است: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً» و از نشانه‌های او این است که از [نوع] خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدانها آرام گیرید و میانتان دوستی و رحمت نهاد.

۱. که تعریف اول را - که از علم فقها بر ما افزوده شده است - با تعریف دوم - که از جانب خداوند نازل شده است - مقایسه کند، می‌داند که انحطاط زن در یدقه‌های آنچه حدی رسیده و از آنها نیز به عموم مسلمانان سرایت کرده است. لذا در این جایگاه پستی که ازدواج در آن سقوط کرده است، تعجبی نمی‌کند به گونه‌ای که به صورت قراردادی در آمده است که غایت آن برخورداری/ کامجویی مرد از به زن برای بری از آن است. پیامد این تعریف نیز احکام فرعی‌ای است که بر این مبنای رشت مترتب کردند.

لذا کار این نظام زیبایی که خداوند اس من آن را بر مودت و رحمت میان همسران قرار داد به فضل علم فراوان [!] جای داده است که امروزه ابزار کامجویی موجود در دست مرد باشد. کار به گونه‌ای که زن یافته است که در هر چیزی که می‌تواند مودت و رحمت را ایجاد کند، صرفت بگیرد و به هر امری که مودت و رحمت را مختل کند، تمسک شود.^۱

این سخن مردی دانا و آگاه از بنیادهای فکری و عملی این دین است که در روزگاری نه چندان دور از دیار و روزگار ما در بالاترین سطح دینی، با موضوع خانواده، و زن به عنوان یکی از اعضا و اجزای اصلی و انکارناپذیر خانواده، و به ویژه عقلا و فضلالی قوم، به صورت بی‌واسطه مواجهه بوده است.

۱. الأعمال الكاملة للإمام شیخ محمد عبده، تحقیق و تقدیم: الدكتور محمد عماره، ج ۲، صص ۷۰ - ۷۱، الطبعة الأولى ۱۴۱۶ هجری / ۱۹۹۳ میلادی، دار الشروق، مصر، قاهرة.